

خشونت و پرخاشگری در فوتبال و راه کارهای کنترل آن

نویسنده: محمدرضا حاج بیگی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۸/۱۰

احمد رضا مسعودی^۲

تاریخ تأیید مقاله: ۸۵/۱۱/۱۵

صفحات: ۷۳ - ۱۱۶

چکیده

در میان رشته‌های مختلف ورزشی رشته فوتبال به لحاظ برخورداری از جذابیت‌ها و هیجان‌ات فراوان توجه آحاد افکار عمومی جوامع را معطوف به خود ساخته و جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی مترتب بر فوتبال، آن را به عنوان یک صنعت مطرح کرده است. در حاشیه هر پدیده جذاب و پرطرفداری، امور منفی هم شکل می‌گیرد. در حاشیه فوتبال نیز اوباشگری و خشونت‌گرایی زمینه مساعدی در استادیوم‌ها و اطراف آن یافته و در قالب گروه‌های هوادار متعصب فوتبال خود را نمایان شده است. این مقاله ضمن بررسی ماهیت و مبانی نظری موضوع، راه کارهایی را برای کنترل و مقابله با این پدیده مطرح می‌سازد.

* * * * *

کلید واژگان:

ورزش فوتبال، پرخاشگری، خشونت، اوباش، هولیکانیسم، وندالیسم، شخصیت

انفجاری، هوچی‌گری

^۱ کارشناس ارشد مدیریت بحران

^۲ پژوهشگر دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی

مقدمه

ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، در جوامع مدرن امروز جایگاه خاصی در مطالعات اندیشمندان علوم مختلف یافته است. ابعاد گوناگون این پدیده، آن را از یک امر رقابت‌انگیز صرف خارج ساخته و دامنه آن را به اغلب موضوعات اجتماعی مرتبط کرده است. با این حال که توافقی برای ارائه تعریفی یگانه و همسان از ورزش از سوی جامعه‌شناسان حاصل نگردیده است، به ویژه که مفهوم ورزش در زمان‌های مختلف و در فرهنگ‌های گوناگون کاملاً متفاوت بوده است. این پدیده‌ی اجتماعی امروزه به بخش مهمی از فعالیت اجتماعات زنده تبدیل شده است: یکی از عوامل پیشرفت هر جامعه، از نشانه‌های قدرت دولت‌ها، از جمله عناصر توسعه‌یافتگی یک کشور، و در یک کلام، یکی از معیارهای سنجش جایگاه ملت‌ها در صحنه بین‌المللی. در میان رشته‌های مختلف ورزشی، فوتبال جایگاه برتری دارد و خصوصیات این ورزش موجب جلب توجه مردم سراسر جهان به آن شده است. اگرچه فوتبال تا سال ۱۹۶۰ تنها به عنوان یک ورزش گروهی مطرح بود، ولی از این سال به بعد حیات اجتماعی یافت و توجه محققین اجتماعی را به خود جلب نمود، تا جایی که فیلسوف مشهور فرانسوی ژان پل سارتر گفته است: «خصوصیات یک جامعه را در فوتبال آن کشور جستجو کنید».

تنوع ابعاد مختلف فوتبال به گونه‌ای است که در حال حاضر از آن به عنوان یک صنعت یاد می‌شود و روسای فدراسیون‌های کشوری، قاره‌ای و جهانی فوتبال در رده‌ی افراد بانفوذ و قدرت‌مند سیاسی قرار دارند. تعطیلی جلسات مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مختلف و تعطیلی کسب و کار مردم حین برگزاری مسابقات حساس فوتبال، حاکی از هیجان مفرط حاکم بر این ورزش است. تشکیل اتحادیه هواداران تیم‌های ملی یا باشگاهی فوتبال در کشورهای مختلف، ایجاد آژانس‌های خرید و فروش و جابه‌جایی بازیکنان فوتبال، سرمایه‌گذاری‌های عظیم

اقتصادی برای کسب قهرمانی و هزینه‌های میلیاردی تبلیغاتی، فعالیت باشگاه‌های شرط‌بندی و تورهای تفریحی برای تماشای مسابقات فوتبال، همه و همه وجوه مختلف این صنعت هستند. یقیناً سکه چنین صنعت پر رونقی، روی دیگری هم دارد که شامل ابعاد منفی آن است. بحران داوری در لیگ فوتبال کشورهای مختلف و محکومیت باشگاه‌های مطرح در دادن رشوه‌های کلان به برخی داوران و فعالیت گروه‌های اوباش از جمله این موارد است.

اما آنچه که در این مقال مطمح نظر و بررسی است، تنش‌هایی است که قبل، حین و پس از مسابقات مهیج فوتبال، میان هواداران تیم‌های مختلف با یکدیگر و توسط اوباش رخ می‌دهد و بعضاً حوادث تلخی را رقم می‌زند.

مفاهیم و اصطلاحات

الف - مفهوم ورزش و فعالیت‌های ورزشی

در سال‌های دور ورزش تنها از بعد سلامتی مورد توجه بود و رقابت‌های ورزشی از آن جهت شکل می‌گرفت تا افراد بیش از پیش به ورزش علاقمند شوند و به فعالیت‌های ورزشی روی آورند و در نتیجه ضریب سلامتی جسمی و روانی افراد جامعه ارتقاء یابد. اما در عصر جدید بخصوص پس از انقلاب صنعتی غرب، نگاه به ورزش از جنبه‌ی صرف سلامتی و رقابت‌های ساده ورزشی تغییر کرد و بالطبع تعریف از ورزش نیز متناسب با آن دچار تحول و پیچیدگی شد که نتیجه‌ی آن عدم توافق بر یک تعریف واحد می‌باشد. برخی جامعه‌شناسان (نیکسون و فری، ۱۹۹۶) با در نظر گرفتن ابعاد مختلف ورزش و کاربردهای گوناگون آن در عصر جدید به چهار عامل زیر در تعریف ورزش تأکید کرده‌اند:

۱ - شرایط فیزیکی که ناظر بر برخورداری ورزشکار از مهارت‌های فیزیکی و توانایی کاربرد آنها است.

- ۲ - مهارت‌های فیزیکی که مستلزم برخورداری ورزشکار از قدرت، هماهنگی، تعادل، سرعت، چالاکی، دقت و پایداری در عملکردهای فیزیکی است.
- ۳ - جنبه‌ی نمادین و رقابتی ورزش که بر وجود مقررات و قوانین استاندارد، تقویت و تضمین مقررات و قوانین توسط مقامات رسمی، وجود سازمان و فراگیری رسمی مهارت‌ها اشاره دارد.
- ۴ - برانگیخته شدن مشارکت افراد با ترکیبی از عوامل درونی (رضایت حاصل از پرداختن به فعالیت‌های ورزشی، پویایی، تحرک و نشاط مربوط به آن) و عوامل بیرونی (پاداش‌های بیرونی مانند پول و شهرت).
- با در نظر گرفتن این ابعاد می‌توان ورزش را چنین تعریف کرد:
- «ورزش رقابت فیزیکی نهادینه شده‌ای است که در یک ساختار رسمی سازمان‌یافته یا جمعی انجام می‌پذیرد» (نیکسون و فری، ۱۹۹۶: ۳). این تعریف به لحاظ جامعه‌شناختی از چند جنبه حائز اهمیت است:
- نخست، اصطلاح «نهادینه شده»^۱ دلالت بر این دارد که ورزش دارای ساختار تثبیت شده‌ای از هنجارها^۲، منزلت‌ها^۳، نقش‌ها^۴ و روابط اجتماعی ضابطه‌مند و نسبتاً پایدار است. این ساختار شامل قواعد رسمی و غیررسمی حاکم بر کنش متقابل اجتماعی در عرصه فعالیت‌های ورزشی است که کارکرد اصلی آنها تنظیم قواعد کنش متقابل اجتماعی در حیطه‌ی عملکرد ورزشی و ناظر بر وضعیت‌های موجود در ساختار سازمانی ورزشی و حقوق و وظایف خاص مربوط به آن است.
- دوم، رقابت فیزیکی که ناظر بر نوع و شکل مرسوم انجام کنش متقابل در فعالیت ورزشی است. به عبارت دیگر ورزش شامل فعالیت افراد و گروه‌هایی است

¹ Institutionalized

² Norms

³ Status

⁴ Roles

که با توسل به مهارت‌های فیزیکی در عرصه‌هایی مبادرت به رقابت با یکدیگر می‌کنند که در آن شکست و پیروزی وجود دارد.

سوم، ساختار رسمی سازمانی که در بر دارنده‌ی مؤلفه‌هایی مانند قواعد اداری شفاف، حمایت رسمی از جانب هیئت‌های تنظیم‌کننده‌ی فعالیت‌های ورزشی، سلسله‌مراتب منزلتی و سازمان اداری است. در واقع فعالیت‌های ورزشی در چارچوب قواعد حاکم بر سازمان بوروکراتیک عمل می‌کنند. یعنی نوعی سازمان رسمی با تقسیم کار معین، سلسله‌مراتبی از وظایف و مسئولیت‌ها، حسابگری و کارآمدی عقلانی در جهت پیگیری وظایف و اهداف سازمانی که براساس اقتدار عقلانی و مشروع عمل می‌کند.

ب - مفهوم خشونت و پرخاشگری:

در علوم اجتماعی «خشونت و پرخاشگری»^۱ به رفتاری اطلاق می‌شود که هدف آن صدمه زدن به خود و دیگران است.

خشونت مفهومی گسترده دارد و به سختی می‌توان آنرا صرفاً در یک بعد تعریف کرد. برای نمونه، اگر تنها مفهوم فیزیکی یا طبیعی خشونت را در نظر داشته باشیم، می‌توانیم آنرا «نوعی قدرت یا زور» تعریف کنیم که با تحمیل خود به سایر پدیده‌ها، اعم از پدیده‌های انسانی یا غیرانسانی، حدود قدرت آن پدیده‌ها را مشخص می‌کند (فکومی، ۱۳۷۸: ۲). در مورد انسان، محدود شدن قدرت به معنی محدود شدن میل، اراده و آزادی اوست. در اینجا خشونت و قدرت با هم مترادف هستند.

گلز و استراوس دو فردی که سال‌های زیادی در زمینه خشونت به بررسی پرداخته‌اند، در تعریف خشونت می‌گویند: «خشونت، رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک) برای وارد آوردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است» (اعزاز، شها، ۱۳۸۰: ۲۴).

¹ Aggression

از ویژگی‌های بارز تعریف فوق آن است که اولاً تأکید بر قصد و نیت فرد جهت وارد کردن آسیب به دیگری است، اما شدت جراحات، مورد نظر نیست. در ثانی تأکید این تعریف بر خشونت‌های فیزیکی است و انواع دیگر را شامل نمی‌شود. محقق دیگر خشونت، یلو^۱ است که خشونت را چنین تعریف کرده است: «خشونت، رفتاری آگاهانه است که نتایج احتمالی آن ایجاد آسیب فیزیکی یا درد به فرد دیگر است» (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۴).

در تعاریف فوق، خشونت روانی منظور نشده است. محققانی مانند مگارژی^۲ بر این باورند که تعاریفی که اکثراً از خشونت ارائه شده است تنها خشونت فیزیکی را شامل می‌شود؛ لذا تعریفی که او از خشونت ارائه می‌دهد، خشونت روانی را نیز در بر می‌گیرد. طبق تعریف او خشونت به معنای «اشکال افراطی رفتار پرخاشگرانه است که احتمالاً باعث به وجود آمدن آسیب‌های مشخص به قربانی می‌گردد» (اعزازی، ۱۳۸۰: ص ۲۵).

به باور رابر^۳ (۱۸:۱۹۸۵) این اصطلاح نوعاً برای کنش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به یکی از سه شیوه زیر برانگیخته شوند:

۱- ترس از ناکامی؛ ۲- تمایل به ایجاد ترس و وحشت در دیگران؛ ۳- تمایل به تحمیل افکار و خواسته‌های خود به دیگران.

باید خاطر نشان ساخت که تلاش‌های فراوانی برای تمایز بین خشونت و پرخاشگری صورت گرفته است. اما اکثر این تلاش‌ها چندان روشنگرانه نبوده است؛ بدین ترتیب که گاهی از واژه پرخاشگری برای توصیف رفتار عصبی خشونت‌آمیز با نیت صدمه زدن به دیگری و یا آسیب وارد کردن به اموال و دارایی‌ها استفاده می‌شود و گاهی نیز مراد از پرخاشگری، توصیف فعالیت‌های مخاطره‌آمیز است. بنابراین یک

¹ Yllo

² Megar gee

³ Raber

فرد پرخاشجو ممکن است توسط برخی، یک فرد خشن و منفور و توسط برخی دیگر فردی پرتحرک و سخت کوش در نظر گرفته شود. به تعبیر برخی روان‌شناسان پرخاشگری متضمن کاربرد تعمدی و هجومی قدرت بر علیه فرد یا گروه دیگر و نیز برخلاف هنجارهای اجتماعی است. برکویتز^۱ (۳۰۷:۱۹۸۶) روانشناس اجتماعی معاصر نیز با تعریف پرخاشگری به عنوان آسیب رساندن عمدی به دیگری می‌افزاید: «این آسیب ممکن است جنبه فیزیکی یا روانی داشته باشد.» خشونت معمولاً براساس شدت آسیب از پرخاشگری متمایز می‌شود و کنشی است که عامل آن به عمد برای آسیب‌رسانی فیزیکی به دیگری تلاش می‌نماید. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که خشونت «عملی آسیب‌رسان است که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد» و به اشکال و صور زیر دیده می‌شود:

- ۱- خشونت فیزیکی (از ضرب و شتم گرفته تا قتل)
- ۲- خشونت روانی (از داد و فریاد، تحقیر کلامی و دشنام گرفته تا تهدید)
- ۳- خشونت اجتماعی (هرگونه ایجاد محدودیت در برقراری روابط اجتماعی با افراد دیگر)
- ۴- خشونت اقتصادی (تخریب اموال)

قالب‌بندی خشونت و پرخاشگری در فوتبال

به زعم برخی اندیشمندان اجتماعی، عصیان روزافزون انسان علی‌الخصوص نسل جوان و اقدامات تخریبی و اوباشگرانه آنها، عکس‌العمل خصمانه و واکنش کینه‌توزانه علیه تحمیلات نیروهای قاهر و سرکوب‌گر بیرونی می‌باشد. در خصوص ماهیت و قالب‌بندی تحرکات اوباشگرانه تحقیقات زیادی در اروپا صورت گرفته و دسته‌بندی‌های متنوعی صورت گرفته که شاید در قبال هر کدام از لیگ‌های معتبر

¹ Berkowitz

اروپایی چند نوع فعالیت خشونت‌گرایانه وجود داشته باشد. اما در اینجا ما به یک قالب‌بندی کلی بسنده کرده‌ایم.

۱- هولیگانیسم^۱

آنچه در حاشیه فوتبال اروپا رخ می‌دهد عمدتاً تحت عنوان هولیگانیسم خوانده می‌شود. فرهنگ لغات وبستر مفهوم این واژه را چنین شرح می‌دهد: «طرفداران فوتبال به شدت خشن». این واژه از نام پاتریک هولیگان جوان یاغی انگلیسی گرفته شده که در اواخر قرن نوزدهم در اطراف شهر ساوت وارک در جنوب لندن موجی از وحشت به راه انداخته بود. سرپیچی و عدم متابعت از قواعد و سنجه‌های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه و واکنش شدید به حرکت‌های بیرونی در قالب عکس‌العمل‌های منفی، یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین واکنش‌های رفتاری برخی از گروه‌ها و افراد هولیگان در جامعه غرب و اروپا است.

۲- وندالیسم^۲

وندال به افرادی اطلاق می‌شود که آگاهانه یا ناآگاهانه دست به تخریب اموال عمومی می‌زنند. روان‌شناسان معتقدند نوجوانان و جوانان وندال به دلیل شرایط روحی خاص و واکنش‌های منفی ناشی از رفلکس‌های درونی کوتاه مدت یا دراز مدت دست به تخریب اماکن عمومی، نوشتن شعارها و کلمات مستهجن بر در و دیوار شهر می‌زنند. به عبارت دیگر این نوع رفتار، واکنشی در مقابل برخی از صور فشار، تحمیلات، نامالایمات، اجحاف‌ها و شکست‌هاست که مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی است.

وندالیسم عموماً متعلق به نوجوانان مذکر است که میل و رغبت به حفظ و تحکیم موقعیت و اعتبار خود در بین دوستان و هم‌سالان دارند.

^۱ Hooliganism

^۲ Vandalism

۳- شخصیت انفجاری^۱

افرادی که دارای این نوع شخصیت هستند غالباً از نظر سازگاری اجتماعی، افراد بهنجاری محسوب می‌شوند، اما در دوره‌های خشم انفجاری خود، از نظر پرخاشگری و از خود بیگانگی راه افراطی را می‌پیمایند و خشم کور، وحشیانه و بدون هدف آنها متوجه افراد یا محیطی خاص می‌شود. در اینگونه موارد، رفتارها بسیار شدید و کنترل فرد از دست خود خارج است و اغلب پس از فرو نشستن خشم، از رفتار خود اظهار تعجب و ندامت می‌کنند.

۴- هوچی‌گری^۲

این پدیده در اواسط دهه ۶۰ میلادی شکل گرفت و پس از ظهور مطبوعات جنجالی در حاشیه مسابقات فوتبال در انگلیس (در فصل ۶۷-۱۹۶۶ مسابقات) به اوج خود رسید. این مطبوعات با چاپ و نشر گزارش‌های جنجال برانگیز پیرامون مسابقات انجام شده و مسابقات بعدی تیم‌ها، کمک کردند تا مسابقات فوتبال برای گروه‌های اوپاش مانند «روشن سران» به عنوان مکانی برای درگیری و کارهای هیجان‌انگیز مستمر تبلیغ شود. این پدیده شامل درگیری میان هواداران دو تیم می‌باشد. نکته مهم خاستگاه طبقاتی جوانان و نوجوانان است که در این درگیری‌ها مشارکت دارند. این افراد عمدتاً از طبقات کارگری بوده و اصولاً از ایجاد درگیری لذت می‌برند. مضاف بر اینکه بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان پیش از آنکه در جریان حاشیه‌ای فوتبال فعال شوند در صحنه‌های دیگر اجتماع دارای سوابق درگیری و خلاف‌کاری می‌باشند. بطوری که وقتی استادیوم‌های فوتبال و حاشیه مسابقات مکان مناسبی برای اقدامات آنان شد، در سایر اماکن کمتر به ایجاد درگیری می‌پردازند.

¹ Explosive character

² Ballyhoo

خشونت و پرخاشگری در فوتبال ایران:

سابقه برگزاری دیدارهای باشگاهی فوتبال در ایران به دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد که مسابقات قهرمانی باشگاه‌های کشور تحت عنوان «جام تخت جمشید» آغاز گردید. پس از شروع این مسابقات، رقابت‌های قهرمانی باشگاه‌های تهران و همراه با آن مسابقات قهرمانی باشگاه‌های شهرستان‌ها و استان‌های کشور نیز به راه افتاد و ورزش فوتبال که پیش از آن و از دهه ۱۳۳۰ به صورت رسمی در ایران دارای فدراسیون فوتبال و تیم ملی شده بود، از رونق و رواج بیشتری برخوردار شد. اما آغاز خشونت و پرخاشگری در ورزش فوتبال به سال ۱۳۵۲ باز می‌گردد که در جریان بازی‌های باشگاهی بین برخی از ورزشکاران - و نه تماشاگران - درگیری‌هایی رخ داد. پس از آن گاه و بیگاه در جریان برخی از بازی‌ها بین بازیکنان دو تیم، یا بین بازیکنان و مربیان یک تیم برخوردهایی بعضاً خشونت‌آمیز رخ داد. اما این برخوردها هیچ‌گاه به تماشاگران سرایت نکرد و تماشاگران و طرفداران تیم‌ها جز در چارچوب هنجارهای مربوط به خود در داخل ورزشگاه‌ها، که در نهایت به شعارهای توهین‌آمیز ختم می‌شد، با یکدیگر به شکل فیزیکی درگیر نمی‌شدند. افزون بر این، موارد مربوط به خراب‌کاری و آشوب‌گری به میزانی تقریباً طبیعی و در حد قابل اغماض رخ می‌داد.

نخستین درگیری جدی بین تماشاگران مسابقات فوتبال به آبان ماه سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد. در تاریخ ۲۵ آبان ماه ۱۳۵۸ در جریان بازی دوستانه بین دو تیم استقلال و پرسپولیس، در اواخر بازی و در حالی که نتیجه بازی یک بر صفر به سود تیم استقلال در جریان بود، طرفداران تیم پرسپولیس به درون زمین بازی هجوم آوردند و بازی نیمه تمام قطع گردید (کیهان ورزشی، آبان ۱۳۵۸: شماره ۱۳۱۵). پس از آن، در سال ۱۳۶۱ آشوب‌ها و اغتشاشات طرفداران مسابقات فوتبال مجدداً نمودار شد. در تاریخ ۲۶ شهریور ماه و در جریان بازی دو تیم استقلال و تهران جوان در چارچوب رقابت‌های قهرمانی باشگاه‌های تهران، در حالی که نتیجه بازی یک بر یک مساوی

دنبال می‌شد، در دقیقه ۸۱ با هجوم تماشاگران به زمین بازی و ضرب و جرح داور بازی، مسابقه نیمه تمام رها شد (کیهان ورزشی، شهریور ۱۳۶۱: شماره ۱۴۵۸).

از این تاریخ به بعد عرصه رقابت‌های باشگاهی فوتبال در شهر تهران شاهد افزایش شعارهای توهین‌آمیز از جانب تماشاگران و طرفداران دو تیم پرترفدار استقلال و پرسپولیس علیه یکدیگر، بازیکنان تیم‌های حریف و داوران مسابقات بود. تا اینکه به دنبال بروز اغتشاش و آشوب از جانب تماشاگران در جریان رقابت بین تیم‌های پرسپولیس با هما و استقلال با راه‌آهن و درخواست ریاست پلیس مرکزی تهران مبنی بر تعطیلی مسابقات فوتبال دسته اول باشگاه‌های تهران، روابط عمومی تربیت بدنی تهران در اطلاعیه‌ای با اعلام وجود عده‌ای از عناصر نفوذی و فرصت‌طلب در بین تماشاگران که با طرح شعارهایی خارج از مسائل ورزشی و ایجاد جو مسموم و ضرب و جرح بازیکنان و وارد آوردن خسارات مالی، مسابقات فوتبال در تهران را تا اخذ موافقت پلیس تهران در رابطه با حفظ امنیت تعطیل اعلام کرد (کیهان ورزشی، اسفند ۱۳۶۲).

اولین حادثه اوباشگری که به اغتشاش اجتماعی انجامید به بازی بین دو تیم پرسپولیس با پاس مربوط می‌شود که قرار بود در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۶۲ در ورزشگاه شهید شیرودی انجام شود. ازدحام بیش از حد تماشاگران در ورزشگاه شیرودی باعث شد که مسئولان هیات فوتبال تهران بازی را لغو و به تأخیر اندازند. در پی این تصمیم، تماشاگران حاضر در ورزشگاه که تعداد آنها بیش از ۳۰ هزار نفر برآورد می‌شد، به داخل زمین هجوم آوردند، دیرک دروازه‌ها را از جا در آوردند و زمین چمن ورزشگاه را به آتش کشیدند. به دنبال دخالت ماموران پلیس، تماشاگران به بیرون از ورزشگاه رفتند و به اموال عمومی آسیب رساندند. در پی این حادثه، بازی‌های باشگاهی فوتبال شهر تهران تعطیل اعلام شد (کیهان ورزشی، شماره ۱۳۶۲: شماره ۱۵۶۱).

پس از واقعه ورزشگاه شهید شیرودی، تا پایان دهه ۱۳۶۰ اتفاق و حادثه جدی خاصی توسط تماشاگران فوتبال رخ نداد و تنها در برخی از مسابقات، عده

معدود از طرفداران تیم‌ها مبادرت به پرتاب سنگ و دیگر اشیاء به داخل زمین می‌کردند. اما دادن شعارهای توهین‌آمیز و مبتذل از جانب طرفداران بسیار متعصب علیه تماشاگران و اعضای تیم حریف همواره بین هر دو گروه طرفداران تیم‌های استقلال و پرسپولیس رواج داشته و در اکثر موارد، پس از اتمام بازی‌های این دو تیم زد و خوردهای جزئی بین برخی از طرفداران آنها رخ می‌داد که هیچگاه جنبه سازمان یافته و جدی نداشت و بیشتر در قالب برخوردهای انفرادی بروز می‌یافت.

از اوایل دهه ۱۳۷۰ و همزمان با آغاز مسابقات قهرمانی باشگاه‌های کشور موسوم به «جام آزادگان» در برخی از مسابقات تماشاگران و طرفداران تیم‌ها مبادرت به انجام حرکات و رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشجویانه کرده‌اند که بطور خلاصه در جدول زیر به برخی از موارد مهم آن اشاره می‌شود:

جدول حرکات و رفتارهای خشونت‌آمیز در مسابقات فوتبال

آبان ۱۳۵۸	استقلال و پرسپولیس	ورزشگاه آزادی	هجوم تماشاگران به داخل زمین
شهریور ۶۱	استقلال و تهران‌جوان	ورزشگاه آزادی	هجوم تماشاگران به داخل زمین و ضرب و جرح داور
مهر ۶۲	پرسپولیس و پاس	ورزشگاه شیروزی	هجوم تماشاگران به داخل زمین و کندن دیرک دروازه‌ها و آسیب رساندن به اسوال عمومی در خارج از ورزشگاه
بهمن ۱۳۷۲	پرسپولیس و استقلال	ورزشگاه اهواز	پرتاب سنگ از سوی تماشاگران به داخل زمین
بهمن ۱۳۷۳	پرسپولیس و استقلال	ورزشگاه آزادی	هجوم تماشاگران به داخل زمین بازی
خرداد ۱۳۷۸	چوکای تالش و استقلال تهران	ورزشگاه تختی تهران	ورود تماشاگران به داخل زمین
آبان ۱۳۷۸	استقلال و فجر سپاسی شیراز	ورزشگاه حافظیه	افشانش در ورزشگاه و سنگ‌پرانی تماشاگران به داخل زمین
شهریور ۱۳۷۹	استقلال و برق شیراز	ورزشگاه حافظیه	سنگ‌پرانی برخی از تماشاگران
دی ۱۳۷۹	پرسپولیس و استقلال	ورزشگاه آزادی	زد و خورد بازیکنان دو تیم با یکدیگر

بنا به اظهار مسئولان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، در جریان رقابت های باشگاهی فوتبال در شهر تهران، برای جابجایی تماشاگران بین ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ دستگاه اتوبوس در نظر گرفته می شود و معمولاً پس از پایان مسابقات بطور متوسط یک دهم این اتوبوس ها دچار خسارت می شوند. اوج این اوباشگری بعد از مسابقه استقلال و پرسپولیس به وقوع می پیوندد و صندلی ها، شیشه ها و سقف اتوبوس ها دچار تخریب و خسارت می گردد. بحث ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ دستگاه مینی بوس که در رفت و برگشت تماشاگران به کار گرفته می شوند جداسست^۱. بنا به اظهار روابط عمومی شرکت واحد، گستره سنی تماشاگرانی که مبادرت به آسیب رسانی به وسایل نقلیه عمومی می کنند بین ۱۴ تا ۱۹ سال است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۰).

مبانی نظری خشونت و پرخاشگری

در ادبیات نظری موضوع، الگوهای مختلفی برای تبیین خشونت و پرخاشگری قابل استحصال است و اگرچه تئوری های مختلف قابلیت بررسی در این زمینه را دارند اما در این گزیده سه نوع الگوی زیست شناسی، روان شناسی و جامعه شناسی برای توصیف بحث مورد توجه واقع شده است (فتحی نیا و علیزاده، ص ۸۵).

الف - الگوی زیست شناختی^۲

قدیمی ترین و شناخته شده ترین تحلیل عمل پرخاشگری، معطوف به این نگرش است که انسان ها از نظر ماهیت زیست شناسی برای پرخاشگری برنامه ریزی شده اند. براساس پیش فرض اساسی این پارادایم، انسان به این دلیل مرتکب پرخاشگری و خشونت می شود که این پدیده بخشی از ماهیت و طبیعت ذاتی و فطری وی را تشکیل می دهد. به زعم پیروان این دیدگاه بدبینانه، انسان مانند بسیاری دیگر از انواع حیوانات، دارای ساقی فطری برای دست یازیدن به خشونت و پرخاشگری است که تنها هراس از تنبیه آن را مهار می سازد. زمانی یک پژوهشگر در

^۱ روزنامه همشهری مورخ ۸۲/۳/۲۶

^۲ Biological Paradigm

مورد طبیعت بشر چنین نگاشت: «توحش بر دنیا حکومت می‌کند، اگر کسی در این مورد تردید دارد به مطالعه تاریخ دنیا بپردازد» (برکویتز، ۱۹۸۶: ۳۰۶).

پارادایم زیست‌شناختی در مورد منشأ خشونت و پرخاشگری انسان در چند تئوری مورد استفاده قرار گرفته است که مطرح‌ترین آنها تئوری موسوم به تئوری رفتار عزیزی^۱ است.

این تئوری که با نام زیگموند فروید^۲ و کنراد لورنز^۳ پیوند خورده، فرض را بر این گذاشته که اکثر یا تمامی انسان‌ها در درون خود دارای منبع مستقلی از انگیزه‌های پرخاشگری هستند که از «طغیان‌های مقاومت ناپذیر» حکایت می‌کنند و با نظمی آهنگین تکرار می‌شوند. از نظر آنها پرخاشگری اساساً از غریزه موروثی جنگیدن سرچشمه می‌گیرد و در جریان تکامل به خاطر سودمندی‌های فراوانی که دارد پرورش و توسعه می‌یابد. طرفداران این نظریه اغلب از آن برای تبیین پرخاشگری جمعی و فردی استفاده می‌کنند.

دیدگاه دیگری که در مجموعه تئوری‌های مربوط به رهیافت زیست‌شناختی جای می‌گیرد، دیدگاه «زیست‌شناسان اجتماعی»^۴ است. زیست‌شناسان اجتماعی با الهام از بحث‌های زیست‌تکاملی بر این باورند که چون انسان در بستر انتخاب طبیعی تکامل می‌یابد، تمایلات نیرومند معطوف به رفتار پرخاشجویانه‌ی وی در این بستر قابل شناخت است. بنابراین تمایلات مذکور بخشی از ماهیت وراثتی و زیستی وی به شمار می‌آیند (بارون و بایرن، ۱۹۹۴: ۴۳۷). در این دیدگاه، بر خلاف رویکرد قبلی که به بقای فرد توجه داشت، به بقای ژنتیکی تاکید می‌شود. از آنجا که حداقل برخی از ژن‌های انسان می‌توانند از طریق تولید مثل موفقیت‌آمیز منتقل شوند، ژن‌های نهفته

¹ *Instinctive Behaviour Theory*

² *S.F reud*

³ *K.lorenz*

⁴ *Sociobiologists Theory*

در رفتار که آسیب‌زا هستند در جریان تکامل و از طریق اختلاط و امتزاج ژنتیکی حذف می‌شوند (برم و کاسین، ۱۹۹۳: ۳۵۹).

همچنین برخی از پیروان ارسطو با طرح مفهوم «پالایش روانی» که ابتدا توسط وی به کار رفت، مدعی شدند که در بسیاری موارد نیروی پرخاشگرانه در انسان به طریقی پالایش می‌شود. این گروه در قالب نظریه پالایش روانی^۱ بر این باورند که اگر انسان مجالی برای ابراز پرخاشگری نیابد، نیروی پرخاشجویانه انباشته شده و سرانجام به شکل «خشونت مفرط» یا بیماری روانی ظاهر می‌گردد. در این دیدگاه یک الگوی علت- معلولی نسبتاً ساده برای پرخاشگری ارائه می‌شود. تحریک سبب برانگیختن پرخاشگری و بروز واکنشی پرخاشجویانه می‌شود و این امر به نوبه خود کاهش پرخاشگری را در بردارد (راسل، استونر و شب، ۱۹۹۵: ۳۰۵).

عده‌ای از پیروان این تئوری سه شیوه برای پالایش نیروی پرخاشگرانه پیشنهاد کرده‌اند:

۱- صرف انرژی پرخاشگریانه در فعالیت‌های بدنی مانند بازی‌های ورزشی، دویدن، جست و خیز، بوکس و نظایر آن.

۲- پرداخت به پرخاشگری خیالی و غیر مخرب.

۳- اعمال پرخاشگری مستقیم (پرخاشگری واقعی)، حمله به فرد یا موضوع ناکام کننده، آزار و اذیت، ناسزا گفتن، صدمه زدن، تخریب و دیگر رفتارهای معطوف به ویرانگری (ارونسون، ۱۳۶۹: ۷۷).

ب - الگوی روانشناختی^۲

پارادایم دیگری که برای تبیین خشونت و پرخاشگری مورد توجه و استفاده اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است، الگوی روانشناختی است که محور اصلی خود را در تبیین موضوع مذکور معطوف به جنبه‌های روانی می‌نماید. در این

^۱ catharsis theory

^۲ Psychological Paradigm

پاراادایم دو نظریه «ناکامی- پرخاشگری» و «یادگیری اجتماعی» بیش از سایر تئوری‌ها مطرح می‌باشند.

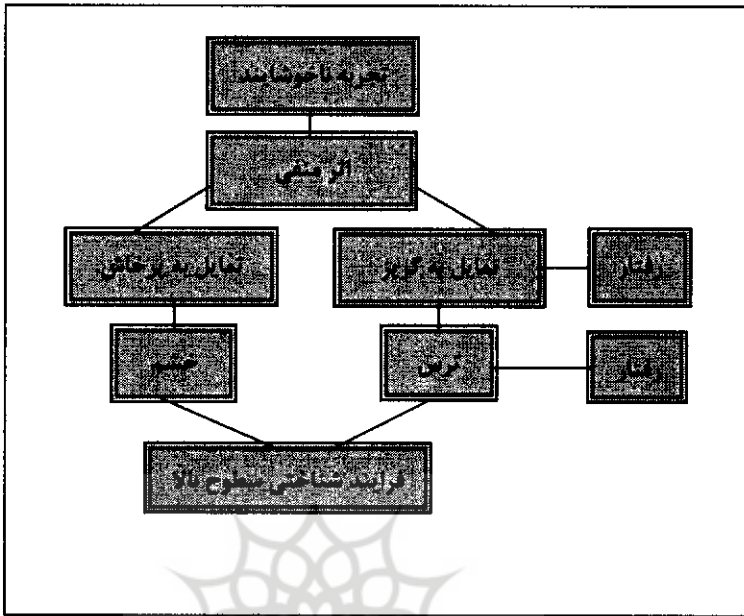
نظریه «ناکامی- پرخاشگری»^۱ که از آن با عناوین محرومیت نسبی- پرخاشگری و سرخوردگی - پرخاشگری هم یاد می‌شود (نکومی، ۱۳۷۸ کریمی، ۱۳۷۸، و رابرت گر، ۱۳۷۷)، ناکامی و محرومیت نسبی را مهمترین عامل به وجود آورنده پرخاشگری و خشونت در نظر می‌گیرد.

به باور جان دالارد و همکارانش، پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و ناکامی همیشه منجر به پرخاشگری می‌شود و هیچ یک نمی‌توانند بدون دیگری صورت گیرند (مایرز، ۱۹۸۸: ۳۹۶).

تئوری ناکامی- پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به طور عمده ملهم از یک سابق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. در این تئوری پرخاشگری فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آنها شکل می‌گیرد. ناکامی حاصل از چنین فرایندی در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز بین افراد می‌گردد. مهمترین هدف یا اهدافی که به عنوان محور آسیب مورد توجه قرار می‌گیرند منبع یا منابع ناکامی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

¹ Frustration Aggression theory

نمودار برکویتز از نظریه ناکاسی - پرخاشگری



*به نقل از: بدار، دزیل و لامارش و دیگران، ۱۳۸۱:۲۳۱

و اما براساس نظریه «یادگیری اجتماعی»^۱، پرخاشگری و خشونت، رفتار و کنش اجتماعی‌ای است که از طریق فرآیندهای اجتماعی، تولید، باز تولید و فرا گرفته می‌شود.

رفتار به عنوان مسأله‌ای که از محیط یادگیری فرد سرچشمه می‌گیرد، از طریق مدل‌ها و تقویت رفتار بوسیله پاداش و تنبیه ایجاد می‌شود. فرد ممکن است رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهاجمی را از طریق سه منبع یاد بگیرد: «خانواده، زیرمجموعه‌های فرهنگی (مثلاً طبقه اجتماعی فقیر) و فرهنگ» (مطالعه، تلویزیون، سینما و...). تحقیقات نیز تا حدودی اصول کلی تئوری یادگیری را تأیید می‌کند (ادوارد، ۱۹۹۱: ۴۶).

¹ Social learning theory

تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده است که اعمال خشونت رفتاری اکتسابی است و خشونت‌های خانگی که شخص در دوران کودکی به عنوان ناظر اولیه شاهد آنها بوده و یا خود قربانی آن خشونت‌ها شده است، پیامدهای سوء برآینده وی می‌گذارد و شخص با یادگیری رفتار خشن، آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. بنابر دیدگاه‌های جدید ریشه اولیه پرخاشگری پایدار و مداوم، در الگوسازی و تقویت معیارهای خانواده است. بر طبق این دیدگاه خانواده محیطی را برای یادگیری فراهم می‌کند که رفتارهای خشن در آن الگوسازی، تمرین و تقویت می‌شود (شهین دخت شهشانی، ۱۳۷۷: ۲۲).

همان‌گونه که آلبرت باندورا^۱ ادعا می‌کند، رفتار مورد مشاهده یا رفتار تجربه شده از نظر شناخت مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر این رفتار در محیطی باعث برطرف کردن نیاز برای رسیدن به هدفی گردد، احتمال بروز آن حتی بدون وجود پاداش خارجی هم زیاد خواهد بود. به خصوص اگر این رفتار، الگویی ارائه دهد که برای مشاهده‌گر ارزش و اهمیت داشته و پایگاه اجتماعی بالایی نیز داشته باشد (اعرازی، ۱۳۸۰: ۶۰).

باندورا تاکید ویژه‌ای بر نقش یادگیری مشاهده‌ای در آشنایی با رفتار می‌کند. به عبارتی از نظر وی پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد و از طریق مشاهده کسب می‌شود و نمی‌تواند پایه ذاتی داشته باشد (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۳۰؛ کریمی ۱۳۷۸: ۲۴۶).

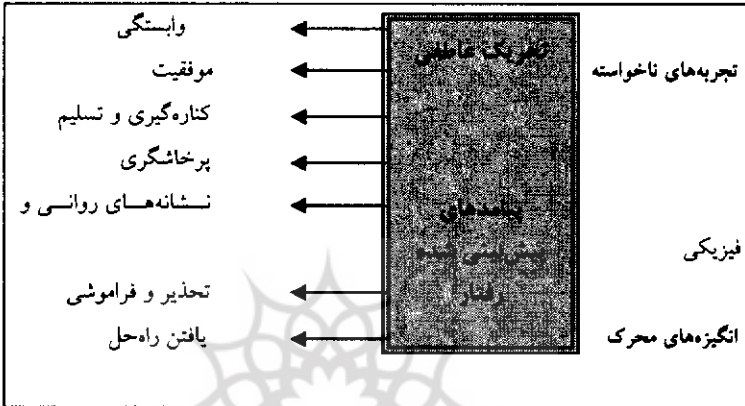
باندورا با بی‌معنا تلقی کردن مفروضات دو تئوری رفتار غریزی و ناکامی-پرخاشگری، فرضیه‌های زیر را مطرح می‌کند:

۱- پرخاشگری فقط یکی از چند واکنش احتمالی در قبال تجربه ناکامی ناخواسته است.

^۱ Bandora, Albert

۲- پرخاشگری واکنشی غیر غریزی است و در نتیجه تحت تأثیر پیامدهای پیش‌بینی پذیر رفتار قرار دارد (انکینسون و دیگران، ۱۹۹۳: ۴۴۱).
با استناد به دو فرضیه ذکر شده مدل زیر به عنوان مدل پرخاشگری در تئوری یادگیری اجتماعی مطرح شده است:

مدل پرخاشگری در تئوری یادگیری اجتماعی



*به نقل از: مایرز، ۱۹۹۳: ۴۳۵ و مایرز، ۱۹۹۳: ۲۵۰

به نظر باندورا، رفتارهای پرخاشجویانه‌ای که پاداش دریافت می‌کنند احتمال پرخاشگری در رفتارهای بعدی را افزایش می‌دهند. اما اثرات تنبیه بر رفتار پرخاشجویانه پیچیده‌تر است (برم و کاسین، ۱۹۹۳: ۳۶۵).

ج - الگوی جامعه‌شناختی^۱

از مهمترین نظریه‌های مطرح شده در این الگو «نظریه تضاد»^۲ است. صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی متعددی بر اهمیت تضاد در امور فی‌مابین انسان‌ها تأکید ورزیده‌اند. دیدگاه تضاد بر این باور است که ریشه خشونت اساساً در تضاد منافع است. رفتارهای خشونت‌آمیز بدون تضاد منافع نه ضرورت می‌یابد و نه

^۱ Sociological Paradigm

^۲ conflict theory

کاربردی دارد. این نظریه بر این باور است که هر چه موقعیت‌های تنش‌زا که روابط میان آدمیان را تهدید می‌کند بیشتر باشد، احتمال بروز رفتار خشونت‌آمیز در جامعه بیشتر خواهد شد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۴-۷۶).

اساس نظریه تضاد، بر علایق ناهمگونی استوار است که سبب ایجاد تضاد اجتماعی می‌شود. دارندورف تضاد را ویژگی مهم رفتار اجتماعی می‌داند و معتقد است که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در عمل بیشتر متمایل به حفظ علایق خود تا حفظ تعادل نظام هستند. در زمان ظهور تضاد، افراد جهت سازمان‌دهی تضاد تلاش می‌کنند و در صورتی که استفاده از سایر روش‌ها برای حل کاربردی نداشته باشد از خشونت استفاده می‌کنند (ابادری، ۱۳۷۷: ۷۸).

بنابراین از دیدگاه رویکرد تضاد، ریشه خشونت اساساً در تضاد منافع است و هر چه تضاد بیشتر باشد احتمال بروز خشونت بیشتر است.

در چارچوب نظریه تضاد رویکردهای مختلفی وجود دارد. از جمله رویکرد «دارندورف» است. از نظر وی جامعه دارای دو بعد کشمکش و توافق است.

دارندورف در ذیل نظریه کشمکش، سه گروه را تشخیص می‌دهد: (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۶۳؛ آزاد، ۱۳۸۱: ۹۳)

- ۱- شبه گروه یا مجموعه‌ای از متصدیان سمت‌ها با منافع نقشی یکسان؛
 - ۲- گروه ذینفع، که از میان شبه‌گروه‌های گسترده‌تر عضوگیری می‌شوند؛ این گروه‌ها عاملان واقعی کشمکش گروهی به شمار می‌آیند. این گروه‌ها از نظر ساختار، به صورت سازمانی دارای برنامه و هدف و مجموعه‌ای از اعضاء هستند.
 - ۳- گروه‌های کشمکش که از درون گروه‌های ذینفع به وجود می‌آیند و گروهی هستند که در کشمکش‌های گروهی عملاً شرکت می‌کنند.
- نظریه تقابل لوئیس کوزر که رویکرد دیگری در چارچوب نظریه تضاد می‌باشد، بیشتر دیدگاهی کارکردگرایانه دارد.

وی با طرح چندین پیش فرض شرایط متفاوت تقابل اجتماعی را که برای انطباق روابط اجتماعی و ساخت‌های اجتماعی مطرح هستند را بررسی می نماید و در پایان کتاب «کارکردهای تقابل اجتماعی»^۱ (۱۹۵۸) به بیان نتیجه گیری های زیر می پردازد:

- ۱- تقابل در درون گروه به وحدت و سازگاری می انجامد.
- ۲- هر نوع تقابل برای گروه اجتماعی مفید نیست و برای همه گروه ها نتایج یکسان ندارد.
- ۳- انواع تقابل و ساخت اجتماعی متغیرهایی مستقل از یکدیگر نیستند. این دو به یکدیگر وابسته می باشند.
- ۴- تقابل های درون گروهی که از قواعد، قوانین و ارزش های واحد پیروی می کنند برای ساخت اجتماعی کارکرد مثبت دارند.
- ۵- گروه های نزدیک به یکدیگر دارای تقابل عمیق هستند. زیرا با کم شدن فاصله اجتماعی موجود برخورد بیشتر می شود. در مقابل، گروه هایی که هیچ تماسی با یکدیگر ندارند، نمی توانند هیچ نوع تقابلی با یکدیگر داشته باشند.
- ۶- در گروهی که فرد به طور همه جانبه مشارکت نداشته باشد، امکان تقابل بیشتری وجود دارد.
- ۷- گروه اجتماعی ای که در نزاع و درگیری در آن استمرار ندارد، کمتر مدعی هویت و شخصیت کلی و کلان برای افرادش است.
- ۸- تقابل درون گروه، عامل ایجاد و بقای هنجارهاست.
- ۹- تقابل، عامل نجات گروه و افرادش از انزوای اجتماعی است و در مقابل تقابل عامل ارتباط بین افراد و اعضاست.

¹ Social conflict Functions

کوزر اشاره کرده است که آنچه ساخت اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد، تقابل نیست بلکه سختی و عدم انعطاف سیستم اجتماعی است که دشمنی را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر دشمنی به لحاظ عدم انعطاف در سیستم اجتماعی حاصل می‌شود و تقابل که مفهومی متفاوت از دشمنی است، عامل ناسازگاری در سیستم اجتماعی است (آزاد، ۱۳۸۱: ۹۷).

نظریه دیگری که در جامعه‌شناسی مطرح شده و به توضیح خشونت پرداخته، نظریه ساختی - کارکردی^۱ است. جامعه‌شناسان کارکردگرا از امیل دورکیم تا پارسونز و جامعه‌شناسان کارکردگرای جدیدتری نظیر جانسون و اسملسر که به ویژه پدیده خشونت سیاسی در شورش‌ها و انقلاب‌ها را تحلیل کردند، همواره بر ضرورت حفظ حالت توازن در جامعه تاکید داشتند. عنصر اصلی این حالت همبستگی اجتماعی^۲ و انسجام است که به دلیل کارکرد بسیار مهم انطباق افراد با جامعه، با انگیزه کسب اهداف آنها انجام می‌گیرد. در نظریه کارکردگرا هر چند خشونت نوعی عارضه و بیماری اجتماعی شمرده می‌شود، اما این بیماری در روند حرکت اجتماعی ناگزیر به شمار می‌آید (نکوهی، ۱۳۷۸: ۷۸).

هر جامعه‌ای در طول حیات خود به دلیل افزایش تقسیم کار اجتماعی و پیچیده‌تر شدن روابط درون آن دائماً هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد که افراد باید خود را با آنها انطباق دهند تا بتوانند در شرایط جدید اجتماعی جای بگیرند و همبستگی خود را در درون انسجام اجتماعی حفظ کنند. اما افراد جامعه همواره قادر نیستند این عمل را انجام دهند، به خصوص اگر سرعت تغییرات زیاد باشد. نتیجه آن است که تغییرات اجتماعی می‌توانند سبب به وجود آمدن فشارهایی بر افراد شوند که در آنها ایجاد ترس و اضطراب نماید. این

¹ Structural - Function theory

² Social Solidarity

احساس‌ها نیز خود می‌توانند سرچشمه خشونت‌های فردی یا گروهی شوند که جامعه را از حالت توازن و تعادل خارج می‌کنند (فکومی، ۱۳۷۸: ۷۹).

امیل دورکیم نخستین اندیشمندی است که با مفهوم «آنومی»^۱ به تبیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی پرداخته است. او در سال ۱۸۷۹ واژه آنومی را به کار گرفته و آن را وارد فرهنگ جامعه‌شناسی کرده است. البته بعد از دورکیم کسانی دیگری هم (مانند رابرت مرتن) از آن استفاده کرده‌اند.

مفهوم آنومی در سه معنای بهم پیوسته و در عین حال مستقل به کار رفته است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹):

۱- آنومی از یک منظر، نوعی نابسامانی فردی است که موجب سرگشتگی انسان می‌شود. علت این نابسامانی البته به واسطه نبود قانون و دستورالعمل رفتار و قاعده برای او است.

۲- آنومی نوعی وضعیت اجتماعی است که در آن قواعد رفتار اجتماعی بایکدیگر ناهم‌ساز و در ستیزند و فرد برای انطباق و پیروی از این قواعد و انتخاب آن دچار سردرگمی و پریشانی است.

۳- آنومی نوعی وضعیت اجتماعی است که در آن، در مواقع محدود قواعد اجتماعی وجود ندارد و نیز فرد در موارد محدودی با قواعد اجتماعی ناسازگار است. دورکیم یک جامعه‌شناس واقعیت‌گرا است که جامعه را یک ترکیب نظام‌مند و سازمان‌یافته می‌داند که مختصات آن با مجموع مختصات اجزاء ترکیب‌کننده متفاوت است. در اندیشه دورکیم انسان دوبار متولد می‌شود، یکی تولد زیستی و دیگری تولد اجتماعی است.

از این منظر انسان اجتماعی در فرایند اجتماعی ساخته می‌شود و در شکل‌گیری بعد اجتماعی انسان، جامعه نقش تعیین‌کننده دارد. نظام اجتماعی در

¹ Anomi

اندیشه دورکیم به نام هنجار موسوم است و از دید او هنجارها قواعد رفتار اجتماعی هستند که زندگی اجتماعی را تسهیل می‌کنند.

دورکیم عقیده دارد: با توجه به دو سرشت جسمانی و اجتماعی انسان، اگر نیروهای نفسانی که متعلق به سرشت جسمانی انسان هستند، مهار نشوند و فرد به خواهش دل خود (نه به منافع جمع) توجه کند، زندگی اجتماعی با وضعیت بی‌هنجاری روبرو می‌شود و وضعیت نابهنجاری روی می‌دهد که در آن وضعیت، نه دیگر جایی برای زنده ماندن بدن و نه راهی برای زنده ماندن روح وجود خواهد داشت (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹).

دورکیم سه نوع کجروی را در آثار خود بیان می‌کند:

۱- **کجروی زیستی- روانی:** از نظر دورکیم تنها نوع کجروی در اجتماع کامل و بی‌عیب و نقص است. این نوع کجروی نمونه کردار فرد بیمار در جامعه سالم است.

۲- **کجروی انقلابی:** این نوع کجروی برای دگرگونی وضع نابسامان اجتماعی پدید می‌آید و در مواردی که جامعه دچار یک سلسله نابسامانی بارز است انسانهایی برای اصلاح آن به پا می‌خیزند.

۳- **کجروی دوگانه:** که کجروی رفتار کسانی است که هم تربیت اجتماعی مناسب نیافته‌اند و هم در جامعه بیمار زندگی می‌کنند و از نظر دورکیم این نوع کجروی از خودخواهی و بی‌هنجاری توأماً نشأت می‌گیرد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹).

در همین چارچوب «نظریه نظارت اجتماعی»^۱ بر وجود جرم و رفتار خشونت‌آمیز در انسان، چه دارای انگیزه‌های درونی باشد و چه از طریق عوامل محیطی به وجود آید تأکید می‌ورزد. آنچه در این نظریه مد نظر است، این اصل است که افراد برای رسیدن به هدفی یا دستیابی به اقتدار، در برابر دیگران به استفاده از

¹ Social Control theory

زور و قدرت تمایل دارند. اصل دوم این است که نظارت اجتماعی، به مثابه مانعی در سر راه اقتدار و خشونت قرار می‌گیرد، زیرا از آنجا که انسان بدون وجود محدودیت‌های اجتماعی به جرم و جنایت و رفتار نابهنجار تمایل دارد، جامعه باید ساز و کار نظارت بر آنها را به وجود آورد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۶۶).

در نظریه نظارت اجتماعی بر نظارت اجتماعی از هر نوع تأکید بسیار شده است، زیرا در واقع برای انجام دادن رفتار بزهکارانه وجود فشارهای خارجی (بیکاری، فقر و نظایر آنها) ضرورت ندارد، بلکه نبود نظارت اجتماعی باعث بروز چنین رفتاری می‌شود. نهادهای نظارتی مانند نیروی انتظامی، والدین، مدرسه و همسایگان می‌توانند به صورت مستقیم بر اعمال و کردار فرد نظارت کنند، اما از طرف دیگر همسانی کردن با دیگران، درونی کردن نظارت اجتماعی و میزان وابستگی اجتماعی بطور غیرمستقیم خود به صورت نظارت اجتماعی عمل می‌کنند.

طبقه‌بندی رفتار، مدیریت پیشگیرانه و مقابله‌ای بحران ورزشی

الف - طبقه‌بندی رفتارهای جمعی و سمبل‌های غیرکلامی

روانشناسان معتقدند رفتار انسان‌ها متأثر از دو عامل است: وراثت و محیط. آنچه انسان‌ها در راستای علائق، گرایش‌ها و استعدادهای ژنتیکی خود انجام می‌دهند برگرفته از تأثیر آنها از محیط و اجتماع است.

هنگامی که انسان‌ها با هر هدف و منظوری در مکان واحدی گرد هم می‌آیند، رفتار جمعی شکل می‌گیرد. یکی از کسانی که چندین پروژه‌ی پژوهشی پیرامون رفتار جمعی به انجام رسانده کلارک مک‌فیل^۱ از دانشگاه ایلینویز آمریکاست. مک‌فیل برای تشریح رفتار تماشاگران در پی شناخت متغیرهای مستقل بوده تا به تعریف متغیرهای وابسته و چگونگی تأثیر آنها بر متغیرهای مستقل برسد.

^۱ Klarck Mc.phill

وی ۳۴ طبقه‌بندی رفتاری ارایه نمود که هدف از آن شرح رفتار و کردار مردم در هر جمعیتی است. جدول صفحه بعد اشکال اولیه رفتار جمعی در هر جمعیتی را نشان می‌دهد (معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۷۵: ۱۷۹).

البته مک فیل حرکات و رفتارهای تماشاگران حاضر در یک ورزشگاه فوتبال را با این مؤلفه‌ها تطبیق داده اما تأکید نمود که این اشکال ابتدایی رفتار جمعی است و به ندرت به تنهایی رخ می‌دهد و معمولاً در نوعی سیستم مختلط به مرحله عمل در می‌آید.

<p>جهت‌گیری جمعی شامل:</p> <p>۱- دور هم جمع شدن ۲- حلقه زدن، در دایره ایستادن ۳- روبه‌روی هم ایستادن، به هم چشم‌دوختن ۴- مواظب بودن.</p>
<p>هم‌آوایی جمعی شامل:</p> <p>۱- صدای اوه، آه در آوردن ۲- صدای تشویق در آوردن ۳- سوت زدن ۴- فریاد کشیدن ۵- خندیدن ۶- شیون کردن ۷- های و هوی کردن.</p>
<p>هم‌خوانی جمعی شامل:</p> <p>۱- سرود خواندن ۲- آواز خواندن ۳- دهاکردن ۴- از بر خواندن ۵- قول دادن.</p>
<p>حرکت جمعی پادست شامل:</p> <p>۱- دست‌زدن (تشویق) ۲- دست‌زدن هم‌زمان با آهنگ خاص ۳- بشکن زدن ۴- چنگ‌زدن، بلند کردن و حرکت دادن یک شی ۵- چنگ زدن، بلند کردن و پرتاب کردن یک شی ۶- چنگ‌زدن، بلند کردن و هل دادن یک شی.</p>
<p>حرکت جمعی عمودی شامل:</p> <p>۱- نشستن ۲- ایستادن ۳- به هوا پریدن ۴- خم شدن ۵- زانو زدن ۶- سجده کردن.</p>
<p>حرکت جمعی افقی شامل:</p> <p>۱- پیاده روی جمعی به شکل حلقه ۲- صاف کشیدن ۳- به حالت موجی حرکت کردن ۴- قدم‌رو رفتن ۵- آهسته به هم تنه‌زدن ۶- دویدن.</p>
<p>اشاره‌های جمعی (سمبل‌های غیرکلامی) شامل:</p> <p>۱- سلام روحی: بازوها کشیده به سمت جلو، کف دست رو به پایین، انگشت‌ها جمع ۲- سلام حاکی از مسئولیت مشترک: بلند کردن مشت بسته بالاتر از سطح شانه. ۳- انگشتان به حالت وقیحانه: مشت بلند کرده، انگشت‌میانی به حالت کشیده ۴- شماره یک: بلند کردن مشت درحد شانه یا بالاتر، انگشت نشانه به حالت کشیده ۵- صلح: مشت بلند کرده، انگشت نشانه و میانی کشیده و جدا از هم. ۶- ستایش و تمجید یا پیروزی: هر دو دست باز و کاملاً به حالت کشیده بالای سر.</p>

پژوهشگران دیگری بر اساس طبقه‌بندی مک فیل با کد دادن به رفتار و کلمات معنی دار، به توصیف تماشاگران فوتبال پرداختند و به تجزیه و تحلیل‌های جالبی دست یافتند. در کشور انگلستان با استفاده از همین روش گزارش‌های مفیدی از وقایع اسفبار فوتبال تنظیم گردیده که در شناخت رفتار تماشاچیان فوتبال و اصلاح جنبه‌های منفی آن مثمر ثمر بوده است.

ب - مدیریت بحران ورزشی و تدابیر و راهکارهای کنترل خشونت در

فوتبال

با توجه به اینکه خشونت در فوتبال یکی از موارد اغتشاش اجتماعی محسوب می‌شود، این موضوع وجود یک نوع بحران را در جامعه گوشزد می‌کند که باید تحت کنترل درآید. زیرا اغتشاش^۱ یک نوع اقدام شورش است که با ایجاد اختلال و بی‌نظمی، کارکرد حاکمیت را زیر سوال می‌برد.

از آنجا که مجموعه‌ای از عوامل سبب بروز پدیده خشونت در فوتبال می‌شوند، مدیریت و کنترل آن، مستلزم اتخاذ تدابیری است که در دو بخش قابل دسته‌بندی است:

۱- تدابیر پیشگیرانه

مدیریت تحرکات اجتماعی (و از جمله اغتشاش ورزشی) براساس روش‌های پیشگیرانه، با بکارگیری همه عناصر و ابزار کارآمد مدرن مطرح می‌شود. این عناصر و ابزار عبارتند از:

- اقدامات پلیسی ویژه جلوگیری از وقوع جرم.
- دیوان سالاری مدرن و تکنیک‌های کنترلی رسا.
- بکارگیری تکنولوژی پیشرفته در حد کمال مطلوب.

¹ Commotion

- اداره‌ی موضوع مورد نظر با عرضه خدمات تمام وقت با بکارگیری گروه‌های کاری متخصص.

- بکارگیری همه‌جانبه‌ی مدل‌های ارتباطی مدرن (اعم از تکنولوژیکی، کامپیوتری و تکنیک‌های مربوط به روابط انسانی).

- بهره‌گیری کامل از سیستم‌های طراحی و تأکید زیاد روی طرح‌ریزی قبلی.

- اداره موضوع به روش مشورتی با اخذ نظر از تمام عناصر و سازمان‌های دست‌اندرکار.

- اتخاذ تصمیم همه‌جانبه با فراهم ساختن امکانات مربوط به عملی شدن تدابیر متخذه.

- تأکید روی هنر بهره‌گیری عملیاتی از روش‌های مدیریت.

مدیریت پیشگیرانه با کاربرد عناصر مورد اشاره و با استفاده از اصل انعطاف‌پذیری و مفید بودن حداکثری، می‌تواند جوابگوی مسئولیت خود و سازگار و همراه افکار عمومی باشد. زیرا یک مدیریت واقع‌گرا، انعطاف‌کافی برای تطابق با رویدادها و یک اجتماع متغیر را داراست و قبل از بروز حوادث و بحران‌ها، آمادگی لازم برای روبه‌رو شدن با آن را کسب نموده است.

تدابیر پیشگیرانه را بطور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱/۱- تدابیر و راه‌کارهای امنیتی، انتظامی

این دسته از تدابیر، یکی از عرصه‌های مهم بروز خلاقیت و هنرمندی نیروی پلیس است. مواجهه با انبوه جمعیت جوان و تهییج شده، مسلماً نیازمند داشتن علم، تدبیر، سازماندهی و قدرت مدیریت است. اهم تدابیر امنیتی، انتظامی به شرح زیر مطرح می‌گردد:

۱/۱/۱ - کسب اطلاعات از فعالیت اوباشان

نخستین گام برای شناخت، کسب اطلاعات است. در این جهت مأمورین مخفی با نفوذ به داخل محافل اوباشان، می‌توانند آنان را کاملاً مورد شناسایی قرار داده و پرونده کاملی از آنان تنظیم کنند. پلیس انگلیس به عنوان کشوری که قدیمی‌ترین صحنه فعالیت اوباشان فوتبال است، در سال ۱۹۸۵ اقدام به تأسیس شعبه نظم عمومی نمود. یکی از وظایف این شعبه انجام عملیات مخفی علیه اوباش در فوتبال آن کشور است. در این طرح مأمورین داوطلب با هویت‌های پوششی و آدرس‌های کاذب، زندگی همانند سازی شده‌ای با اوباش در پیش گرفته و از این طریق به گروه‌های اوباش نفوذ می‌کنند. بدین ترتیب اوباش‌ها کاملاً تحت مراقبت و کنترل قرار گرفته و پرونده‌هایی در مورد افرادی که به تشخیص مأمورین نفوذی، سردهسته آشوبگران هستند تشکیل می‌شود. بنابراین گزارش‌ها اغلب این افراد بدو به توطئه و ایجاد نزاع در اماکن عمومی یا ارتکاب به خشونت متهم بودند و در صورت احضار یا بازداشت تمامی آنچه که آنها در زمینه‌های مختلف به زبان می‌آوردند یا اشیاء دست‌سازی که در منازل آنها یافت می‌شد به عنوان مدرک علیه آنها بکار می‌رود. در این صورت اقدام به بازداشت آنها بسیار ساده بوده و تنها کافی است نام اوباشان در فرم مربوطه که از قبل آماده شده درج گردد. نتیجه این اقدامات برای خبرنگارانی که توسط پلیس دعوت می‌شوند به نمایش گذاشته شده و به اطلاع عمومی مردم می‌رسد (معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۷۵: ۲۲۳). همچنین اسکاتلندیارد با گماردن مأمورین لباس شخصی در بین تماشاچیان نسبت به شناسایی اوباشان و تک‌خال‌ها اقدام می‌کنند.

۱/۱/۲ - توقیف و احضار سرکردگان اوباشان

آن هنگام که سرکردگان اوباشان خواب جنگ و گریز در ورزشگاه را می‌بینند، اگر با مراجعه پلیس از خواب برخیزند چه حالی پیدا می‌کنند؟ از اقدامات

جالسب و اجباری پلیس انگلیس، عملیات «ضربت صبحگاهی»^۱ (معاونت آموزشی ناجا، ۱۳۷۵: ۲۲۳) است. براساس این طرح مأموران پلیس پیش از موعد برگزاری یک مسابقه مهم و حساس به آدرس افراد خاص که قبلاً در نتیجه تحقیق و بررسی انجام شده کسب گردیده، ویا به اقامتگاه‌های متعدد افراد شناسایی شده مراجعه می‌کنند. در جریان این مراجعات که با اعطای حکم بازرسی از سوی مراجع قضایی همراه است، محل‌های مورد نظر مورد بازرسی و تفتیش قرار می‌گیرند و با بدست آمدن کوچکترین آثاری از پیش‌بینی خشونت، رهبران اوباش‌ها توقیف شده و بدین ترتیب سایر اوباش‌ها بی رهبر و راهنما می‌مانند و از ایجاد خشونت دست می‌کشند.

۱/۱/۳ - بهره‌گیری از دوربین‌های مدار بسته

استفاده هدفمند از دوربین‌های مدار بسته در استادیوم‌ها و فضاهای حوالی استادیوم‌ها و گرفتن عکس و فیلم از افراد متعصب، اوباشان و مظنونین و نگهداری تمامی این سوابق در قرارگاه‌های پلیس در جهت کنترل جریانات خشونت‌گرا بسیار مهم و مفید می‌باشد. همچنین نیروی انتظامی می‌تواند خودروهایی را به همین منظور تجهیز کرده و اقدام به کنترل جمعیت خارج از استادیوم نماید. افراد مستقر در این خودروها می‌توانند اوباشان را از فاصله دور شناسایی کنند. این خودروها پس از مدتی محتوی یک گالری عکس از ارادل و اوباش شناخته شده و مظنونین خواهد بود. در سال ۱۳۸۲ که بازسازی و نوسازی ورزشگاه بزرگ آزادی به پایان رسید، یکی از تجهیزات اضافه شده، همین دوربین‌ها بود. یکی دوبار هم روی عکس‌های ثبت شده توسط این دوربین‌ها که صحنه اغتشاش تماشاگران و شکستن صندلی‌های تازه نصب شده را نشان می‌داد مانور داده شد، اما معلوم نشد چرا بهره‌گیری از این امکان ادامه پیدا نکرد.

¹ Dawn attack

۱/۱/۴ - نصب خطوط تلفن قرمز

نصب چند خط تلفن مستقیم موسوم به تلفن قرمز در نقاط مشخص از استادیوم‌ها یا خارج آنها تدبیر قابل طرح دیگر است. این تلفن‌ها به سهولت در دسترس مردم بوده و آنان به راحتی در تمام طول شبانه‌روز می‌توانند اطلاعات خود پیرامون اوباشان را به اطلاع پلیس برسانند. این موضوع در سطح نشریات و روزنامه‌ها مورد تبلیغ واقع شده و آنها می‌توانند یک قسمت از صفحه روزنامه را تحت عنوان «امنیت برای هر شهروند» به این موضوع اختصاص داده و در مورد آن تبلیغ کنند. مثلاً یکبار در یکی از روزنامه‌های انگلیس در همین صفحه این جمله از قول وزیر کشور انگلستان درج گردید: «من از هر کس که اطلاعاتی دارد، هر چقدر هم ناچیز و ظاهراً بی‌اهمیت باشد، می‌خواهم که به من تلفن کند». (معاونت آموزش ناجا، ۲۴۵:۱۳۷۵)

۱/۱/۵ - شناسایی و جلوگیری از ورود افراد ناباب و غیر متعادل به

ورزشگاه‌ها

تأثیر متغیرهایی مانند سابقه دعوا، نزاع و رفتار مجرمانه در بروز رفتار خشونت‌آمیز، ضرورت شناسایی عاملین خرابکاری که دارای سوابق کیفری و جنسایی هستند را مطرح می‌کند. پلیس انتظامی ورزشگاه‌ها پس از شناسایی این قبیل افراد، باید از ورود آنان به ورزشگاه‌ها جلوگیری کنند و یا بر رفتار آنان در محیط ورزشگاه کنترل و نظارت داشته باشند.

۱/۱/۶ - استفاده از مأمورین مجرب در امر کنترل ورزشگاه‌ها

معمولاً مأمورین نیروی انتظامی حاضر در ورزشگاه‌ها اجازه می‌دهند که اول جنجال در ورزشگاه‌ها شروع شود و بعد وارد عمل شوند که این، امر نادرستی است. همچنین عدم آشنایی مأمورین انتظامی با روانشناسی اجتماعی، موجب برخورد غیر معقول آنها با تماشاچیان می‌شود. لازم است مسئولین پلیس و ایجاد انتظامات در

محیط‌های ورزشی از مأمورین مجربی که بدین منظور (کنترل جو ورزشگاه‌ها) پرورش یافته‌اند استفاده کنند.

۱/۲- تدابیر اجتماعی - روانی

در این بعد از تدابیر، نقش عوامل جامعه‌پذیری به ویژه خانواده، مدرسه و نخبگان ورزشی بسیار پر اهمیت است. میانگین سنی طرفداران و افراد خشونت طلب نشانگر تأثیر بالقوه دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش بر این افراد است. به طوری که تأثیر این دو نهاد را می‌توان به طور مستقیم در سه متغیر سابقه تنش و ناکامی در فعالیت‌های آموزشی، میزان نظارت خانواده و میزان تنش در محیط منزل و روابط متقابل اعضای خانواده مشاهده کرد.

در کشورهای اروپایی همچنانکه فوتبال به عنوان ورزش پرطرفدار مطرح است، نه تنها منعکس‌کننده‌ی جریانات اجتماعی و فرهنگی است، بلکه خود بخشی از این جریانات محسوب می‌شود. بنابراین باید گفت فوتبال به منزله میدانی است که در آن بازیگران اجتماعی به وسیله نقش‌های اجتماعی خود، ارزش‌های غالب را طی یک دوره مشخص نقش‌سازی و دوباره‌سازی می‌کنند.

بنابراین در این فرآیند علاوه بر نقش برجسته خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و تبلیغات، نقش جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و انسان‌شناسان کاملاً روشن و مهم است. در این جا تدابیر اجتماعی - روانی مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱/۲/۱ - برجسته‌سازی اخلاقیات

تشویق و ترغیب همه‌ی انسان‌ها به رعایت اصول اخلاقی و انسانی را باید یکی از پایه‌های ثابت در امر آموزش دانست. تماشاگران فوتبال از این قاعده مستثنی نیستند و با توجه به میانگین سنی پایین آنان و نیز تأثیرپذیری فرد از جمع، بکارگیری روش‌های غیرمستقیم را کاملاً مفید می‌نمایاند. حتی در حاشیه یکی از برترین لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال جهان یعنی انگلیس هم این موضوع مورد توجه قرار دارد.

در آن کشور شرکت‌های تجاری، طی یک مقطع زمانی، شکل‌گیری و ایجاد فضایی آمیخته به اصول اخلاقی را تقبل کردند و با انتشار عکس، پوستر و جزواتی که با تصاویر غم‌انگیز و حوادث رقت‌آور گذشته آمیخته بود و نیز انتشار نشریاتی توأم با جوایز نقدی توسط بانک‌ها، سوپرمارکت‌ها و روزنامه‌ها به این کار مبادرت ورزیدند. (معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۵: ۲۴۰)

۱/۲/۲ - عملیات روانی

به باور روانشناسان، یادگیری عبارت است از ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار یا رفتار بالقوه که از تجربه ناشی می‌شود و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا داروها ایجاد می‌شود نسبت داد. از این تعریف می‌توان استنباط کرد که عملیات روانی نیز نوعی یادگیری است، زیرا کارشناسان امر با ارایه اطلاعات و توسل به جاذبه‌های هیجانی در پی تغییر باورها نگرش‌ها و نهایتاً تغییر رفتار مخاطبان مورد نظر هستند. به تعبیر دقیق‌تر عملیات روانی، عملیات برنامه‌ریزی شده‌ای است که به واسطه ارسال اطلاعات در پی تأثیر بر هیجانات، انگیزه‌ها و رفتار مخاطبان است. یعنی دقیقاً همان کاری که پی‌آمد و نتیجه یادگیری است. مثلاً در مارس ۱۹۸۶ پلیس انگلیس در شهر چلسی به مراکز و منازل سردسته‌های اوباشگران حمله و تعدادی را بازداشت نمود. در این عملیات تعدادی فنر، میله آهنی، چماق، آچار و پیچ‌کوشی، تیغه‌های چاقوی جراحی، چاقوی دست‌ساز و فلاخن‌های قوی و نوشته‌های تندروانه راست‌گرایانه و نژادپرستانه کشف و ضبط شد. سپس یک شبکه تلویزیون مجری برنامه را در حالی که گریز زنجیردار در دست داشت نشان داد و از بینندگان پرسید، چه اشخاصی این گرز زنجیردار را با خود به یک مسابقه فوتبال می‌برند؟ پاسخ کاملاً روشن بود: هیچ کس. این شیء در واقع هیچ‌گاه از خانه خارج نشده بود، زیرا متعلق به یک کلکسیونر یادبودهای نظامی بود (معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۵). اما مجری شبکه مذکور بهره‌گیری روانی مناسبی علیه اعمال و رفتار اوباشگران بعمل آورد و افکار عمومی را علیه آنان جهت داد.

۱/۲/۳ - وجود مدیریت قوی در ورزشگاه‌ها

یکی از عواملی که به بروز و تشدید خشونت در ورزشگاه‌ها دامن می‌زند، ضعف مدیریتی ورزشگاه‌ها می‌باشد. به موقع نفروختن بلیط‌های بازی، به موقع باز نشدن درب‌های ورزشگاه‌ها، گران کردن ناگهانی بلیط‌های بازی، جلوگیری نکردن از ورود افراد اضافی به ورزشگاه‌ها به رغم پر بودن سکوها، عدم کنترل مناسب در فروش بلیط‌های مسابقات، بگونه‌ای که عده‌ای از تماشاگران با بلیط‌های تقلبی وارد ورزشگاه‌ها شوند و یا با خرید بلیط‌های اضافی ایجاد بازار سیاه کنند، عدم وجود امکانات رفاهی مناسب در ورزشگاه‌ها و ... از جمله مصادیق ضعف در مدیریت ورزشگاه‌ها و مسابقات فوتبال می‌باشد. لذا ورزشگاه‌ها نیازمند یک مدیریت قوی هستند تا جو استادیوم‌ها را هنگام برگزاری مسابقات خصوصاً مسابقات مهم براحتی تحت کنترل و نظارت داشته باشند.

۱/۲/۴ - فراهم نمودن تسهیلات و امکانات رفاهی در ورزشگاه‌ها

با توجه به اینکه دو متغیر رضایت از امکانات و تسهیلات، و سازگاری هدف‌ها و شیوه‌های تحقق هدف‌ها، بر تمایل به خشونت و پرخاشگری طرفداران فوتبال در ورزشگاه‌ها تأثیر بسیار زیادی دارند، باید اقدامات مناسبی برای فراهم ساختن تسهیلات و امکانات فیزیکی و خدماتی برای تماشاگران و طرفداران فوتبال انجام شود. محور این اقدامات باید معطوف به ایجاد امکانات مناسب برای دسترسی طرفداران به تسهیلات گوناگونی مانند سرویس‌های بهداشتی، سالن‌های غذاخوری، مکان‌هایی برای نشستن، بلیت مسابقات و دسترسی به وسایل ایاب و ذهاب به ورزشگاه بشود.

۱/۲/۵ - استفاده از داوران مجرب

فدراسیون فوتبال در کنار آموزش‌های فنی و اجرای آزمون‌های مربوط به آمادگی جسمانی برای ارزیابی عملکرد داوران، بیش از پیش باید به آموزش مسائل

روان‌شناختی و جامعه‌شناختی داوران توجه کند. در واقع، داور هنگام قضاوت بازی فوتبال، نه فقط باید واجد شرایط فنی و فیزیکی برای داوری باشد، بلکه ضرورت دارد به دلیل تأثیر قضاوتش بر رفتار بازیکنان و تماشاگران توانایی و مهارت لازم برای مدیریت روانی و اجتماعی رفتار تماشاگران و دوستان تیم‌های فوتبال داشته باشد.

۱/۲/۶ - توجه و اهمیت دادن به عوامل وضعیتی

با توجه به تأثیر متغیرهای وضعیتی (نظیر زمان برگزاری مسابقه، شرایط فیزیکی برگزاری مسابقه، اهمیت و حساسیت نتیجه مسابقه)، فدراسیون فوتبال افزون بر چاپ و انتشار بروشور، اعلامیه، تابلو و پوستر تبلیغاتی در محدوده ورزشگاه‌ها، همچنین ترویج و تبلیغ انگاره‌های مناسب رفتاری برای طرفداران، بازیکنان باشگاه‌ها را نیز در مورد کنترل واکنش‌هایشان هنگام ابراز هیجان در مواقع کامیابی یا ناکامی آموزش دهند تا از بروز خشونت‌ها و پرخاشگری‌هایی که متأثر از عامل‌های وضعیتی هستند، جلوگیری شود.

۱/۲/۷ - نقش و رسالت مطبوعات خصوصاً مطبوعات ورزشی

با توجه به نقش مؤثر رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و ارتباطشان با مخاطبان، این امکان وجود دارد که مطبوعات ورزشی در کنار ایفای کارکرد اطلاع‌رسانی، مخاطبان خود را در جنبه‌های گوناگون آموزش دهند. این امر به ویژه در مطبوعات ورزشی طرفدار یا وابسته به باشگاه‌ها بیشتر صدق می‌کند. بیشتر طرفداران تیم‌های فوتبال ارتباط نسبتاً مستمیری با این قبیل مطبوعات دارند. افزون بر این، مطبوعات مذکور این توانمندی را دارند که برای کاهش حساسیت‌های موجود پیرامون رقابت‌های تیم‌های فوتبال، به گونه‌ای مؤثر وارد عمل می‌شوند و افزون بر حساسیت‌زدایی برای ایجاد ارتباط فرهنگی مناسب و آموزش رفتارهای جمعی، به شکلی صحیح و مناسب با الگوهای مثبت فرهنگی و اجتماعی تلاش کنند. همچنین رسانه‌های ورزشی نباید

با نگرشی قطبی به مسائلی پردازند که باعث توهم، انتظارات دور از ذهن و برتری طلبی کاذب بین مخاطبان شود.

۱/۲/۸ - توجه به پایگاه اقتصادی - اجتماعی تماشاگران

با توجه به این که پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر رفتار خشونت آمیز و پر خاشجویانه طرفداران فوتبال تأثیر معکوس دارد، لذا بیشتر طرفدارانی که برای تماشای مسابقات فوتبال تیم های مورد علاقه خویش به ورزشگاه مراجعه می کنند، متعلق به طبقات متوسط رو به پایین هستند. وضعیت اقتصادی این افراد، امکان دسترسی آنان به امکانات متنوع مربوط به گذران اوقات فراغت و بهره گیری مناسب از تسهیلات و امکانات آموزشی و پرورشی و تفریحی در مقایسه با دیگران محدود است. با توجه به دامنه سنی طرفداران و نیز امکانات مادی و فرهنگی آنان، حضور در ورزشگاه ضمن داشتن کارکردی هویت بخش، کارکرد تفریحی و گذران اوقات فراغت نیز دارد. لذا باید مراسم و بازی های سرگرم کننده تفریحی - فرهنگی با نشاط که ابراز هیجان و شادی تماشاگران حاضر در ورزشگاه ها را به شکلی قاعده مند امکان پذیر می سازد، برگزار شوند. همچنین آهنگ های مفرح و با نشاط و آرام بخش، در قبل یا بین دو نیمه مسابقات، در استادیوم پخش شود. شواهد مربوط به تجربه اجرای چنین برنامه هایی در دیگر کشورها از جمله آمریکا، انگلستان، هلند و غیره، نشانگر تأثیر سودمند آنها بر روحیه تماشاگران و طرفداران فوتبال در ورزشگاه ها است.

۱/۲/۹ - ارائه الگوی رفتاری مناسب به نوجوانان و جوانان طرفدار

فوتبال

با توجه به تأثیر متغیرهایی مانند ارتباط با باشگاه، روابط با دوستان و همسالان، رضایت از امکانات و تسهیلات و رسانه های ورزشی در کاهش خشونت و پرخاشگری، باید سازمان ها و نهادهایی که امکان تأثیرگذاری بر رفتار تماشاگران

فوتبال را دارند، یعنی باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون فوتبال، نیروی انتظامی، وزارت آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مطبوعات ورزشی، در چارچوب ارتباطی متقابل با یکدیگر، الگوی رفتاری مناسب به نوجوانان و جوانان طرفدار فوتبال ارائه دهند. به عنوان نمونه واحدهای فرهنگی باشگاه‌ها با توجه به تمایل طرفداران به ابراز هیجان می‌توانند، با آموزش رهبران و سردسته‌های تماشاگران و قرار دادن آنها در خودروهای حمل و نقل طرفداران، سرودهای مناسب و شاد را رواج دهند.

۱/۲/۱۰ - ایجاد انجمن‌ها و تشکل‌های رسمی یا نیمه‌رسمی توسط

واحدهای فرهنگی باشگاه‌ها

با توجه به ارتباط هواداران پرشور با باشگاه‌های مورد علاقه‌شان و نیز بالا بودن میزان تمایل به رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز بین این دسته از طرفداران، باید انجمن‌ها و تشکل‌های رسمی یا نیمه‌رسمی توسط واحدهای فرهنگی باشگاه‌ها به منظور جلوگیری و کنترل رفتارهای پرخاشجویانه از سوی این قسم از هواداران آنها رواج یابد. به بیان دیگر مسئولان فرهنگی باشگاه‌ها باید به مواردی همچون برگزاری برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی برای طرفداران، استفاده از کارشناسان علوم رفتاری و اجتماعی برای آموزش‌های لازم، درباره چگونگی کنترل و هدایت رفتارها در وضعیت‌های هیجانی به طرفداران توجه کنند.

۲ - تدابیر مقابله‌ای:

باید اذعان داشت کنترل موضوع خشونت تماشاگران فوتبال، عمدتاً موکول به تدابیر پیشگیرانه است. چنانچه این تدابیر بخوبی تمهید نشده باشند، هر بهانه‌ای اعم از قضاوت ناهجای داور یک مسابقه، باخت تیم خودی و حتی برد آن تیم ممکن است به بروز خشونت، ایجاد غائله و پدیده اوباشگری منجر شود. با این وصف به تدابیر مقابله‌ای نیز در دو بخش اشاره می‌شود:

۲/۱ - تدابیر امنیتی، انتظامی

۲/۱/۱ - استقرار مناسب پلیس ضد اغتشاش در مکان‌های مناسب

استقرار پلیس ضد اغتشاش با تجهیزات لازم و کافی و با کمیت و نظم مناسب در حوالی ورزشگاه‌ها و مسیرهایی که به هنگام تخلیه ورزشگاه بیشتر مورد استفاده تماشاچیان قرار می‌گیرد، زمینه دخالت به موقع آنان در صحنه و فرونشاندن خشونت‌طلبی را فراهم می‌سازد.

۲/۱/۲ - استقرار مأمورین پوششی در خودروهای جمعی

ایراد خسارت به اموال عمومی غیرقابل اغماض و کنترل آن ناممکن نیست. یکی از عواملی که اعمال اوباشگرانه و جو اغتشاش را از حوالی استادیوم‌ها به داخل و مراکز شهرها منتقل می‌سازد خودروهای جمعی است. بکارگیری مأمورین با لباس شخصی در تمامی خودروهای جمعی، شناسایی عاملین ورود خسارت به اموال عمومی را به راحتی میسر می‌سازد. با تعقیب این افراد زمینه برخورد با آنان پس از جدایی از جمع کاملاً مهیا بوده و با معرفی آنان به دادگاه، مجبور به پرداخت جریمه و جبران خسارت و دادن تعهد می‌شوند.

۲/۲ - تدابیر اجتماعی، روانی

۲/۲/۱ - تشکیل کلاس‌های بازآموزی

برای دستگیر شدگان در خشونت‌ها و اغتشاشات فوتبال کلاس‌های بازآموزی تشکیل شود و این افراد محکوم به شرکت در این کلاس‌ها شوند. موضوع محوری محتوای این کلاس‌ها می‌تواند واداشتن افراد به اندیشیدن درباره «خود» باشد. یکی از مهمترین مفاهیمی که در این مقوله وجود دارد مفهوم «عزت نفس» است. عزت نفس معمولاً به احساس افراد و چگونگی ارج نهادن به «خود» اطلاق می‌شود. تقویت عزت نفس، عامل مهمی برای کسب موفقیت است. این عامل شیوه زندگی را بطور کلی دگرگون می‌سازد و فرد را وا می‌دارد تا از مواجهه با مشکلات

واهمه‌ای نداشته و با درگیر شدن با آن به حل مشکل بپردازد و از متفرد بودن و داشتن انزجار نسبت به دیگران و در نتیجه دست زدن به خشونت و تخریب بپرهیزد. روانشناسان اجتماعی کارگردانان خوبی برای چنین کلاس‌هایی خواهند بود.

۲/۲/۲ - محرومیت بازیکنان تحریک کننده

در برخی تیم‌ها بخصوص تیم‌های پرطرفدار معمولاً بازیکنانی وجود دارند که علاقمند به جلب توجه زیاد و تحریک تماشاچیان هستند. تا جایی که برخی درگیری‌های میان تماشاچیان سرمنشأ تحریک از داخل زمین مسابقه دارد. این بازیکنان به اعمال خشونت نابجا و غیرقانونی (و اصطلاحاً انجام بازی کثیف) علیه بازیکن تیم حریف و یا پس از به ثمر رسیدن گل با انجام رفتارهای معنی‌دار و یا توهین‌آمیز، هواداران تیم رقیب را تحریک و عصبانی کرده و به بروز اغتشاش در ورزشگاه دامن می‌زنند. محروم ساختن این بازیکنان از انجام بازی، یا منع آنان از همراهی تیم‌شان در سفرها یا جریمه مالی و تنبیهات دیگر می‌تواند راه‌کاری برای مقابله با چنین تحرکاتی باشد.

امروز فوتبال یک پدیده گسترده اجتماعی است که دستداران آن تنها مردان جوان نیستند، بلکه باید اعتراف کرد که زن و مرد، پیر و جوان، شهری و روستایی، نخبه و عامی به این ورزش توجه نشان داده و به نسبت کمتر و بیشتر، جریان‌ات آن را دنبال می‌کنند. اگر بتوان آن را از زشتی‌ها، خشونت‌ها و نقاط منفی پاک کرد، آنگاه زیبایی‌های بسیار زیاد فوتبال با شفافیت تمام خود را نمایان ساخته و این ورزش به عاملی در جهت وحدت ملی ملت‌ها، انجام امور خیر، توسعه صلح و دوستی، رفع فقر و نژادپرستی و ... تبدیل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

پدیده‌های اجتماعی چنانچه به معضل تبدیل شده باشند اغلب به معضل تبدیل شده باشند اغلب با راه‌کارهای اجتماعی قابل رفع است. تدابیر پیشگیرانه که

معمولاً پس از بررسی موضوعات و معضلات اجتماعی مورد توجه و توجیه قرار می‌گیرد از جنس راه‌کارهای اجتماعی است و تدابیر مقابله‌ای مترادف با راه‌کارهای پلیسی است. اما این، لزوماً به آن معنا نیست که کار پلیس صرفاً کار مقابله و برخورد باشد. بلکه داشتن نگاه جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه در مواجهه با مشکلات امنیتی و انتظامی در مدیریت سازمان پلیس، کمک شایانی در حل و رفع اینگونه مشکلات و کاهش آمار جرایم خواهد داشت.

انسان در فرایند اجتماعی ساخته می‌شود و در شکل‌گیری بعد اجتماعی انسان، جامعه نقش تعیین‌کننده دارد و این نگاه به مسئولین امنیت و انتظامات جامعه می‌گوید خشونت‌ورزی نوعی بیماری اجتماعی است که در روند حرکت نامتعادل یک جامعه، به اعضای آن جامعه عارض می‌گردد. بدیهی است یک پزشک حاذق با معاینه بیمار ابتدا با تجویز دارو و یا پرهیزهای غذایی و رفع زمینه ایجادکننده بیماری، عضو بیمار را بهبود می‌بخشد و درصد کمی از بیماران برای بازیابی سلامتی نیاز به جراحی پیدا می‌کنند. از این منظر وجود نظارت اجتماعی از طریق اعمال نظم اجتماعی، به مثابه مانعی در سر راه کجروی و انحراف و رفتار نابهنجار افراد قرار می‌گیرد. بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های رفع ناهنجاری‌های اجتماعی (از جمله گرایش به خشونت در فوتبال) آن است که نهادهای نظارتی مانند والدین، مدرسه و نیروی انتظامی به خوبی به وظیفه نظارتی خود عمل کنند.

همچنین توجه به ماهیت زیستی و وراثتی انسان از بین برنده‌ی بخش دیگری از زمینه‌های گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی است. تا جایی که برخی اندیشمندان متمایل به الگوهای زیست‌شناختی، صرف انرژی پرخاشگریانه موجود در وجود انسان‌ها (بخصوص جوانان) را در کانالهای کنترل شده (مانند ایجاد امکانات ورزشی که ساده‌ترین و موجه‌ترین امکان است)، لازم و حتمی می‌دانند. این همان «سوپاپ اطمینانی» است که در مدیریت‌های بحران پیرامون آن بحث می‌شود. در چنین صورتی است که تماشاگر مستعد برای خشونت‌ورزی داخل و اطراف ورزشگاه

فوتبال را با صحنه جنگ یکی نخواهد گرفت و وسایل حمل و نقل عمومی را تانک دشمن فرض نخواهد کرد.

پس از اعمال این تمهیدات است که تدابیر مقابله‌ای پلیس کارآیی می‌یابد. برای زمینه‌سازی فاز برخورد نیز لازم است اینگونه اعمال و رفتار تعریف قانونی پیدا کند و خلاء قانونی موجود مرتفع گردد تا مرتکبین به چنین اعمالی پذیرای عواقب و مسئولیت رفتار خود باشند.

در خاتمه با هدف برانگیختن احساس مسئولیت دست‌اندرکاران ورزش و جلب توجه و نظر مسئولین برگزاری مسابقات فوتبال اعم از مدیران فدراسیون فوتبال و لیگ حرفه‌ای، شورای تأمین استان‌ها، رؤسای واحدهای انتظامی ذیربط و...، این جمله اندیشمند شهر فرانسوی آندره ژید را جمله پایانی قرار می‌دهیم: همه چیز گفته شده است، اما چون هیچ‌کس گوش نمی‌دهد باید همیشه از نو آغاز کرد.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

- ۱- چلبی، مسعود. «جامعه‌شناسی نظم»، تهران: نشر نی، (۱۳۸۴).
- ۲- آزاد ارمکی، تقی. «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۸۱).
- ۳- اباذری، یوسف. «مکاتیب جامعه‌شناسی و خشونت»، کیان، بهمن و اسفند، شماره ۴۵، (۱۳۷۷).
- ۴- ارونسون، الیوت. «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد، (۱۳۶۹).
- ۵- استور، آنتونی. «ستیزخوی و خشونت»، ترجمه حسن صالحی، تهران: فراگفتار، (۱۳۸۰).
- ۶- اشرف، احمد. «کژرفتاری، مسائل اجتماعی و آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران: آموزشگاه عالی خدمات، (۱۳۵۵).
- ۷- اعزازی، شهلا. «خشونت خانوادگی»، تهران: نشر سالی، چاپ اول، (۱۳۸۰).
- ۸- افتخاری، اصغر. «خشونت و جامعه»، تهران: نشر سفید، (۱۳۷۸).

- ۹- بدار، لوک و دزیل، ژوزه و لاماش، لوک. «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان، (۱۳۸۱).
- ۱۰- توسلی، غلامعباس. «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران: انتشارات سمت، (۱۳۷۴).
- ۱۱- چالمرز، آلن اف. «چیستی علم»، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم، (۱۳۸۱).
- ۱۲- روی، ماریا. «زنان کتک خورده»، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: انتشارات علمی، (۱۳۷۷).
- ۱۳- ریترز، جورج. «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، مترجم محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم، (۱۳۷۴).
- ۱۴- ستوده، هدایت... «روانشناسی اجتماعی»، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ پنجم، (۱۳۸۰).
- ۱۵- شهریاری، مهدی. «پرخاشگری انسان»، تهران: نشر میر شمس، (۱۳۷۶).
- ۱۶- شهیندخت، مولاوردی. «علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان»، تهران: نشر حقوق زنان، سال دوم، شماره دهم، تیر ۷۸، صص ۲۳-۱۸، (۱۳۷۸).
- ۱۷- محسنی تبریزی، علیرضا. «مبانی نظری و تجربی وندالیسم»، مروری بر یافته‌های یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، (۱۳۷۹).
- ۱۸- محسنی تبریزی، علیرضا. «سیری مفاهیم و نظریه‌های خشونت»، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، نامه علوم اجتماعی شماره ۱۹، (۱۳۸۱).
- ۱۹- محسنی تبریزی علی‌رضا. «بررسی وندالیسم در تهران»، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، (۱۳۷۴).
- ۲۰- لاور، رابرت اچ. «دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی»، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۷۳).
- ۲۱- فکوهی، ناصر. «خشونت سیاسی»، تهران: انتشارات پیام امروز، (۱۳۷۸).
- ۲۲- کرمی، فاطمه. «بررسی جامعه‌شناختی حادثه کوی دانشگاه تهران در هیجدهم ۱۳۷۸»، پایان‌نامه کارشناسی تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، (۱۳۷۸).
- ۲۳- کریمی، یوسف. «روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)»، تهران و نشر ارسباران، (۱۳۷۸).
- ۲۴- گر، تد. رابرت. «چرا انسانها شورش می‌کنند»، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، (۱۳۷۷).

- ۲۵- کوزر، لیونیس. «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی»، مترجم محسن ثلاثی، تهران: انتشارات راهبردی، (۱۳۷۴).
- ۲۶- گروه مترجمان. «فوتبال، خشونت، هویت اجتماعی»، معاونت آموزش ناجا، اداره کل پژوهش و تألیفات، (۱۳۷۴).
- ۲۷- فتحی‌نیا، علیزاده عبدالرحمن. «خشونت‌گرایی تماشاگران فوتبال و نقش رسانه‌ها در کنترل آن»، تهران: فصلنامه پژوهش و سنجش، (۱۳۸۴).

ب - منابع انگلیسی

- Baron, Robert, and Donn Byren . **Social Psychology: Understanding Human Interaction**, Allyn Baeon. (1994).
- Berkowitf, Leonard. **A Survey of Social Psychology**. CBS College Publishing Corn. (1986).
- Blanchard, Kendall **The Anthropology of Sport**. Bering and Garvey Publishers, Inc. (1985).
- Brehm, Sharen S. and Saul M. Kassin Paul . **Social Psychology**, Houghton Mifflin Company. (1993).
- Bandora, Albert **Social Learning Theory**, Engleweed Cliffs, NJ: Prentice - Hall. (1977).
- Atkinson, Rita, Edward, Richard Smith, and Bom Davly, J. **Introduction to Psychology**. Harcourt Brace Jovanovich College Publishers. (1993).
- Alderman, R. B. **Psychology Behavior in Sport**. Philadelphia W.B. Saundres. (1974).
- Feidman, Roberts. **Understanding Psychology**. McGraw Hill, Inc. (1993).
- Hjelle, larry and A. Daniel Ziegler. **Personality Theories: Basic Assumption, Research, and. Application**. McGraw Hill, Inc. (1992).
- Gottfredson, D.M. **Psychologische. Einflusse auf Die Kriminologie in 14.j.sehne: Der (Ed) Auswirkangenaufkriminalogif(pp. 29- 44)**. 2 urich: Kindler. (1981).
- Edward. A. **Men Who Batter Women**, Londen: Routledge. (1991).
- Yllo, k. **Sexual Equality and Evidence Against Wives in American States**, Journal of comparative family studies, 14 (1): pp. 67-86. (1983).
- Megargee, E. I. **Psychological Determinants and Correlates of Criminal violence** .in M. Wolfgang and n. Weiner, Criminal

Violence (pp- 81-170). (1982).

- Gelles, R. J. and Straus, M. A. **Determinants of Violence in the Family** : Toward a Theoretical Integration. in.W.R. Burr, R. Hill, F. I. Nye and I. I Reiss (Ed). Contem . Porary Theories About The Family (pp. 549-581).New York : Free Press. (1979).
- Myers, David G. Exploring Social Psychology. McGraw Hill, Inc. (1994).
- Berkowit , Leonavd . **The Effect of Observing Violence in Readings about the Social Animal**. Aronson E. (1995). W.H. freeman and company. (1964).
- Bootzin, Richard R. YAcocella Jean Roos and Alloy Lauren B. **Abnormal Psychology : Current Perspective**. McGraw Hill, Inc. (1993).
- Dunning , Eric . **Spertin Civilizing Precess : Aspects of Development of Modern Sport Process : A Comparative and Developmental Approach**. Human Kinetics Publishers. (1993).
- Gleitman , Henry . Psychology, North and Company. (1995).
- Giulianotti , Richard **Football: A Sociology of The Global Game**. Polity Press. .(1999).
- Mckeachie .Wilbert James, Doyle Charlotte Lackner and Moffett Mery Margarate . **Psychology Publishing Company**. (1976).
- Myers, David G. **Social Psychology**. McGraw Hill, Inc. (1993).
- Russel, G.W. D. Stonner and G.L. Shepe . **The Facilitation of Aggression by Aggression: Evidence Against Catharsis Hypothesis** , in Arenson E. The Social Animal, W.h. Freeman. (1995).
- Gottfredson, D.M. **Psychologische Einflusse die Kriminologie**. In H.J.Schneider (Ed). **Auswivkungen anfdie Krimino Logic** .(pp.29-44) Zurich : Kindler. (1981).

پژوهشگاه علم
رتال جامع علوم انسانی